Quran and Hadith Studies  علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 1: Issue 110, Spring & summer 2023, p.223-243

Online ISSN: 2538-4198  Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 06-09-2020 Revise Date: 11-06-2022 Accept Date: 07-01-2023

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61147.0 Article type: Original

Studying the Sources of Shiʿa Narrations in al- Tibyān

Dr. sayyid Hosein Moosavi Darebidi (corresponding author), Ph.D., Islamic Azad University of Isfahan

Email: mosavi15@gmail.com

Dr. Davood Esmaeili , Assistant professor, Islamic Azad University of Isfahan

Abstract

Regarding the interpretive narrations of *al-Tibyān*, *Shaykh Ṭūsī*, in his method, pays serious attention to the *Ahl al-Bayt*'s hadiths and the interpretive narrations of the Companions and Successors. When quoting Shiʿa interpretive hadiths, he uses indications such as "our Companions"(*Aṣḥābunā*), "our Imams" (*A'immatinā*), and "our news" (*Akhbāruna*). According to the results, in quoting *Ahl al-Bayt*'s hadiths, the commentaries of *al-Maṣābiḥ Maqribī*, *Qumī*, *Ayāshī*, and *Wāqidī* book are the definite sources of *al-Tibyān*. Also, some of the Shiʿa narrative collections including *Kāfī*, some works of S*haykh Mufīd*, *Shaykh Ṣadūq*, etc. can be considered as its probable sources. In addition, the existence of some Shiite narrators' names such as *Jābir ibn Yazīd* and *Abi al-Jārūd* at the beginning of some narrations can indicate that he has used their commentaries too. Besides, in some cases, *Ahl al-Bayt*'s hadiths have been transmitted from *Ṭabarī* commentary to *al-Tibyān. Shaykh Ṭūsī* has used abundantly non-Shiite sources such as *Jāmiʿ al-Bayān*, and mentioned their author's name; on the contrary, he hasn't specified the names and works of the Shiite authors. This method should be affected by the governing atmosphere of *Baqdād*, where this work has been written and it should be considered in relation to his proximity approach.

Keywords: *Shaykh Ṭūsī*, *al-Tibyān*, Narrative sources, *Ahl al-Bayt*'s hadiths, Shiʿa exegeses



Quran and Hadith Studies



علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۱۰ - بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۲۴۳ - ۲۲۳

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸





شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.61147.0

نوع مقاله :پژوهشی

جستاری در مصادر روایات شیعه در تفسیرالتبیان

دکتر سید حسین موسوی دره بیدی(نویسنده مسئول)

دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان

Email: mosavi15@gmail.com

دکتر داود اسماعیلی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

چکیده

روش شیخ طوسی در استفاده از روایات تفسیریِ التبیان، اهتمام جدی به روایات اهل‌بیت(ع) و توجه فراوان به روایات و اقوال تفسیری صحابه و تابعان است. وی در نقل بسیاری از روایات تفسیری شیعی از قرینه‌هایی همچون اصحابنا، ائمتنا و اخبارنا استفاده می‌کند. تفاسیر المصابیح مغربی، قمی، عیاشی و کتاب واقدی از منابع قطعی و برخی از مجامع روایی شیعه همچون کافی، برخی آثار شیخ مفید، شیخ صدوق و... ازجمله منابع محتملِ التبیان در نقل روایات اهل‌بیت(ع) است. نام برخی از راویان شیعی همچون جابربن‌یزید و ابی‌الجارود در صدر برخی از روایات نیز می‌تواند حاکی از بهره‌مندی وی از تفاسیر آنان باشد. در پاره‌ای موارد، روایات اهل‌بیت(ع) از تفسیر طبری به التبیان راه یافته است. روش شیخ طوسی در استفادۀ فراوان از منابع غیرشیعی مانند جامع البیان و تصریح به نام مؤلفان آن‌ها و در مقابل عدم‌تصریح به نام و آثار مؤلفان شیعی را باید متأثر از فضای حاکم بر تألیف این اثر در محیط و جغرافیای شهر بغداد و در راستای رویکرد تقریبی وی به شمار آورد.

واژگان کلیدی: شیخ طوسی، التبیان، مصادر روایی، روایات اهل‌بیت(ع)، تفاسیر شیعه.

مقدمه

تفسیر التبیان اولین تفسیر کامل و اجتهادی شیعه به شمار می‌رود. شیخ طوسی در تألیف التبیان از مؤلفه‌ها و ابزارهای تفسیری متنوع، ازجمله روایات تفسیری عامه و خاصه بهره برده است. سخنان صحابه، تابعان و مفسران متقدم در این تفسیر نقشی پررنگ دارد؛ اما مؤلف به روایات اهل بیت(ع) نیز توجه داشته و به‌ویژه روایاتی را از صادقین(ع) نقل کرده است. به دیگر سخن، مصادر التبیان گوناگون است و مؤلف از منابع لغوی، ادبی، روایی، تاریخ و سیره، تفسیر، کلام و اعتقادات، قرائت و علوم قرآنی، فقه و اصول شیعی و غیرشیعی استفاده کرده است. وی برای نقل روایات اهل بیت(ع) از مصادر تفسیری، مجامع حدیثی و برخی کتب دیگر بهره برده است. نکتهٔ تأمل‌برانگیز اینکه در تفسیر التبیان از مؤلفان شیعی کمتر از مؤلفان غیرشیعی نام برده است و درعین‌حال با استفاده از قرینه‌هایی مخاطب را به مصادر شیعی خود سوق داده است. وی پس از نقل روایات تفسیری با استفاده از عباراتی عام مانند تفسیرنا، اخبارنا و اصحابنا نشان می‌دهد که این موضوع یا روایت از تألیفات شیعی گزارش شده است. این قرینه‌ها به‌طورقطع حاکی از بهره‌بردن شیخ از تفاسیر مأثور و مجامع روایی شیعه است.

از دیگر ویژگی‌های مهم روایات اهل بیت(ع) در تفسیر التبیان تغییرات واژگانی این روایات است؛ توضیح اینکه، در این تفسیر روایات اهل بیت(ع) با سند و واژگان کامل و هماهنگ با مصادر متقدم نقل نشده است و با تغییراتی مانند اختصار، حذف و اضافه و نقل به معنا همراه است تاجایی‌که برخی روایات به‌صورت اشاری نقل شده‌اند (موسوی دره‌بیدی، ۵۷تا۱۱۰).

هدف از این نوشتار، ارائهٔ منابع روایی اهل بیت(ع) در تفسیر التبیان است. برخی روایات التبیان از این تفسیر به تفاسیر شیعی دیگر به‌ویژه مجمع البیان و از این رهگذر به دیگر تفاسیر و ازجمله تفاسیر روایی متأخر؛ همانند کنز الدقائق، البرهان، نور الثقلین و... انتقال یافته است؛[1] مشخص‌کردن منابع روایی شیعی التبیان که مرجع روایات در تفاسیر متأخر است می‌تواند اعتبار روایات التبیان و تفاسیر مذکور را روشن

---

۱. تعداد این روایات زیاد است. نک: ذیل آیهٔ ۱ سورهٔ فاتحه: «روی ابوسعید الخدري عن النبی(ص) ان عیسی‌بن‌مریم قال: الرحمن رحمن الدنیا و الرحیم رحیم الآخرة» (طوسی، ۲۹/۱؛ طبرسی، ۹۳/۱؛ فیض کاشانی، ۸۱/۱؛ حویزی، ١٤/١؛ کاشانی، ۳۱/۱).

ذیل آیهٔ ۳۰ سورهٔ اعراف: «عن أبي‌جعفر(ع) أنه قال فی الجمعات و الأعیاد» (طوسی، ۳۸۶/۴؛ طبرسی، ۶۳۷/۴؛ قمی مشهدی، ۶۱/۵؛ حویزی، ۱۹/۲؛ بحرانی، ۵۳۲/۲).

ذیل آیهٔ ۶۳ سورهٔ انفال: «المراد بالمؤمنین الأنصار و بتألیف قلوبهم ما کان بین الأوس و الخزرج من العداوة و القتال، هذا قول أبی‌جعفر(ع)» (طوسی، التبیان، ۱۵۱/۵؛ طبرسی، ۸۵۴/۴؛ قمی مشهدی، ۶۱/۵؛ حویزی، ۱۹/۲؛ بحرانی، ۵۳۲/۲).

ذیل آیهٔ ۷ سورهٔ رعد: «وضع رسول اللَّه(ص) یده علی صدره و قال انا المنذر «وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ» و أو مأ بیده الی منکب علی(ع)، فقال انت الهادی یا علی بك یهتدی المهتدون من بعدی» (طوسی، ۲۳۰/۶؛ طبرسی، ۴۲۸/۶؛ قمی مشهدی، ۴۱۲/۶؛ حویزی، ۴۸۲/۲؛ فیض کاشانی، ۵۹/۳).

ذیل آیهٔ ٤٩ سورهٔ کهف: «روی عن النبی(ص) أنه قال: یحشرون حفاة عراة عزّلا. فقالت عائشة: أفما یحتشمون یومئذ...» (طوسی، ٥٤/٧؛ طبرسی، ٧٣٢/٦؛ قمی مشهدی، ۹۰/۸؛ حویزی، ٢٦٦/٣).

کند. افزون بر اینکه این اقدام چهره‌ای دیگر از تفسیر اجتهادی التبیان را آشکار خواهد کرد.

یادآور می‌شود در این نوشتار ابتدا به روش مؤلف در استفاده از مصادر روایی التبیان اشاره می‌شود و سپس این مصادر در دو گروه تحلیل خواهد شد؛ گروه اول: منابع قطعی که نام مؤلفان آن‌ها در التبیان ذکر شده است یا در تطبیق روایات به‌صورت قطعی منبع‌بودن آن‌ها احراز می‌شود؛ گروه دوم: منابع احتمالی تفسیر التبیان است. مقصود از منابع احتمالی، مصادری است که روایات التبیان منحصر به آن‌ها نیست و به‌طورقطع نمی‌توان روایت را به یکی از این مصادر نسبت داد. در این گروه، مجامع روایی متقدم شیعه درخورِ توجه است. مؤلف نیز در نقل برخی روایات اهل بیت(ع) از منابع اهل‌سنت به‌ویژه تفسیر طبری استفاده کرده است.

در خصوص پیشینهٔ موضوع باید گفت: در سال ۱۳٤۹ش، کنگرهٔ شیخ طوسی در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد که در مقالات مختلف، روش تفسیری التبیان بررسی‌شده است؛ اما در این مقالات منابع التبیان به‌ویژه منابع روایی آن بررسی نشده است. ایرانی قمی در سال ۱۳۷۱ش در کتاب روش شیخ طوسی در تفسیر التبیان، منابع تفسیری، لغوی، فقهی و نحوی التبیان را برشمرده و کاصد یاسر زیدی در کتاب منهج الشیخ ابی جعفر الطوسی فی تفسیر القرآن الکریم به‌صورت کلی به تفاسیر شیعه و سنی و منابع ادبی و لغوی اشاره کرده است؛ ولی در هیچ‌یک از این دو تحقیق نیز به منابع روایی این تفسیر اشاره نشده است. در سال‌های اخیر، مرتضی کریمی‌نیا در مقالهٔ «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان» به نکاتی از روش روایی شیخ طوسی در نقل روایات اهل بیت(ع) و برخی از منابع مورد استفادهٔ وی اشاره کرده است. همچنین در رسالهٔ دکتری خویش با عنوان «وزیر مغربی و روش‌شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن» به بررسی برخی روایات شیعی التبیان که از تفسیر مغربی نقل شده است، پرداخته و این تفسیر را ازجمله منابع التبیان برشمرده است. نوشتار پیش‌رِو، منابع روایی شیعی التبیان را به‌ویژه در حوزهٔ تفاسیر مأثور و مجامع روایی بررسی کرده است که در پژوهش‌های قبلی به آن‌ها پرداخته نشده یا تنها به آن‌ها اشاره شده است. با تطبیق روایات نیز به برخی منابع کشف‌نشدهٔ التبیان اشاره کرده است.

۱. گونه‌های مختلف ذکر منابع در تفسیر *التبیان*

شیخ طوسی در تفسیر التبیان از مؤلفه‌های گوناگون تفسیر اجتهادی بهره برده است. وی در کنار طرح مباحث مربوط به قرائت، لغت، مفردات قرآنی، نکات ادبی، نقل روایات تفسیری منقول از صحابه و تابعان و روایات اهل بیت(ع)، به دیدگاه‌های مفسران پیشین و مباحث کلامی و فقهی نیز پرداخته و با استفاده از استدلال‌های عقلی و نقلی آن‌ها را نقد و بررسی کرده است. نکتهٔ درخورِ توجه این است که شیخ طوسی در

نگارش تفسیر خود با نگرشی فرامذهبی و همه‌جانبه، افزون بر منابع شیعه از مصادر عامه نیز بهره برده است، اما در استفاده از منابع شیعه و اهل‌سنت روشی متفاوت پیش گرفته است؛ توضیح اینکه، وی کمتر به نام مؤلفان شیعه تصریح می‌کند تا جایی که در این تفسیر غیر از علی‌بن‌ابراهیم، وزیر مغربی و سیدمرتضی، هیچ نامی از مؤلفان شیعه دیده نمی‌شود که البته فضای فکری و علمی نگارش این تفسیر و نیز رویکرد تقریبی شیخ طوسی از مهم‌ترین عوامل آن به شمار می‌آید (موسوی دره‌بیدی، ۱۱۱تا۱۲۰). با این وصف، اصلی‌ترین منبع التبیان کتاب‌های تفسیر و دانش‌های قرآنی است. شیخ طوسی مانند بسیاری از متقدمان در ارجاع مطالب و روایات تفسیری بیشتر به نام مؤلف اشاره کرده و تنها در موارد اندکی نام برخی کتاب‌ها را در التبیان ذکر کرده است، هرچند در این موارد نیز نام مؤلف دیده می‌شود؛ مانند «حکی البلخی فی کتاب التفسیر» (طوسی، ۱۳/۱)، «قال الجبائی فی التفسیر» و «ابوبکر الرازی فی احکام القرآن» (همان، ۲۹۷/۴)، «ابوعبیده فی مجازه» (همان، ۴۲۳/۸) و... .

شیخ طوسی از میان تفاسیر مأثور شیعی پیش از خود، همچون جابربن‌یزید، ابوالجارود، ابوحمزهٔ ثمالی، حِبَری، فرات کوفی، علی‌بن‌ابراهیم قمی، عیاشی و نعمانی تنها از تفسیر قمی نام برده است؛ اما با تطبیق روایات این تفسیر از تفاسیری مانند قمی، عیاشی و فرات کوفی می‌توان نام برد، همچنین نام جابر و ابوالجارود در آغاز تعدادی روایات آورده شده است. افزون بر این، برخی عنوان‌های کلی مانند «فی تفسیرنا»، «تفاسیرنا» و «فی تفسیر اهل البیت» نیز بر توجه شیخ طوسی به تفاسیر شیعه دلالت دارد، عنوان‌هایی که بیشتر به تفاسیر قمی و عیاشی بر می‌گردد (همان، ۱۵۰/۱؛ ۴۱٦/۲و٤٨٦؛ ۱۰۳/۳؛ ۱۳۵/۵و ۲۱۷؛ ۲۲۸/٦ ؛۳۵۱/۷). استفاده از عناوین خاص «روایاتنا»، «ما رواه أصحابنا»، «المروی عن أئمتنا»، «روی فی اخبارنا» و «المروی فی أخبارنا» (همان،۱۷۲/۱؛ ۱٤٤/۲؛ ۳۰۷/۳؛ ۲۹۵/٤؛ ۱٦۹/۵؛ ۱۳٦/۷؛ ۳٤۷/۸؛ ۲۹۱/۹و...) نیز نشان‌دهندهٔ توجه وی به مجموعه‌های روایی شیعه است؛ هرچند به‌صورت مستقیم به نام این منابع اشاره نکرده است. گاه نیز به‌طور هم‌زمان به منابع تفسیری و روایی شیعه اشاره شده است؛ برای نمونه، در تفسیر آیهٔ ۳٤ سورهٔ بقره می‌نویسد: «و اختلفوا فی امر الملائکة و السجود لآدم علی وجهین: قال قوم: انه أمرهم بالسجود له تکرمة و تعظیما لشأنه و هو المروی فی تفسیرنا و اخبارنا. و هو قول قتادة و جماعة من اهل العلم» (همان، ۱۵۰/۱). در برخی موارد نیز شیخ طوسی از دیگر کتاب‌های خود نام می‌برد و مطالبی را به آن‌ها ارجاع می‌دهد؛ مثلاً الخلاف (۱۳/۱؛ ۲۳۰/۲؛ ٤۰۵/۷)، النهایه (۱۹٦/۱؛ ۱۰٤/۲و۲۳۰)، المبسوط (۱۵۹/۲؛ ۵۳۸/۳)، الأصول (۷۲/۲؛ ۹۳/۵)، الإمامة (٤٨٥/۲؛ ۵٦۳/۳)، شرح الجمل (۵۵۰/۲؛ ٤۰۳/۳)، تلخیص الشافی (۵۸۸/۲)، العدة فی أصول (۱٦۸/۱)، تهذیب الأحکام (٤۰۹/۳) و... .

جدول فراونی منابع شیعی نام برده‌شده در التبیان

عنوان	تعداد	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد
وزیر المغربی	۵۸	ابوالجارود	۱۳	علی‌بن‌الحسین الموسوی المعروف بالمرتضی	۵
علی‌بن‌ابراهیم	۲	الخلیل یا (صاحب العین)	٦۰	الواقدی	۱۵
جابر(بن‌یزید جعفی)	٦				

نام هیچ‌یک از مؤلفان شیعی متقدم همچون عیاشی، فرات کـوفی، شـیخ مفیـد، برقـی، کلینـی، شـیخ صدوق و دیگر مؤلفان و راویان شیعی در التبیان ذکر نشده است.

جدول فراوانی نام برخی از منابع روایی و غیرروایی در التبیان[۱]

عنوان	تعداد	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد
الجبایی	۷۵۸	الزجاج	۹۲۸	الازهری	٤۳
البلخی	۳۹۳	الفراء	٦۸۸	ابن‌درید	۳۲
علی‌بن‌عیسی الرمانی	۳۳۰	الکسایی	۳۹٤	الاصمعی	۳۱
الطبری[۲]	۱٦۵	ابوعبیده معمربن‌مثنی	۳۰۰	مفضل‌بن‌سلمه	۲۱
ابومسلم اصفهانی	۳٦	سیبویه	۱٤۵	قطرب	۱۷
النقاش	۸	المبرد	۱۲۵	ابوالاسود دئلی	۱۱
ابن‌اسحاق	۱۲۰	ابوعلی فارسی	۹٤	المازنی	۱۱
ابوبکرالرازی، جصاص	٤	الاخفش	۸۹		

خلاصهٔ سخن اینکه، روایات اهل بیت(ع) در التبیان را می‌توان در میـان ایـن منـابع جسـت‌وجو کـرد: تفاسیر، مجموعه‌های روایی، منابع غیرروایی (تاریخ، ادبیات، قرائت)، منابع غیرشیعی. برخی از این منـابع به‌صورت قطعی توسط شیخ طوسی استفاده شده است و در برخی منـابع، احتمـال اسـتفادهٔ شـیخ از آن‌هـا وجود دارد.[۳]

---

۱. شیخ طوسی به غیر از تفسیر طبری، گاهی از برخی این منابع، اندک روایاتی را نقل کرده است. همچنین آمار جدول‌ها بر اساس جست‌وجوی نام‌ها در تفسیر التبیان با استفاده از نرم‌افزار جامع التفاسیر به دست آمده است.

۲. مواردی از نقل‌های طبری نیز با عنوان ابن‌جریر و گاه بدون اشاره به نام طبری نقل شده است که در این آمار نیامده است.

۳. احتمالی‌دانستن این منابع صرفاً به این دلیل است که ممکن است منابعی در اختیار شیخ بوده و از آن‌ها استفاده کرده است، اما از آن‌ها نـام نبـرده اسـت. ایـن

۲. منابع قطعی

مقصود از منابع قطعی روایی، منابعی است که شیخ طوسی از آن‌ها نام برده است یا با جست‌وجو و تطبیق روایات التبیان می‌توان نتیجه گرفت که روایت عیناً از آن‌ها نقل شده است. با جست‌وجو در روایات در نقل التبیان چنین به دست می‌آید که افزون بر استفاده از کتاب‌های تفسیری و مجامع روایی از منابع دیگری مانند کتاب‌های لغت، سیره و تاریخ نیز استفاده شده است، هرچند تعداد روایات نقل‌شده از کتاب‌های سیره و تاریخ به‌دلیل بررسی اسباب نزول آیات و تاریخ پیامبر اسلام(ص) بیشتر و در مقابل، روایات نقل‌شده از کتاب‌های لغت کمتر است و در بیشتر موارد نیز از آن‌ها به‌عنوان شاهد قرآنی استفاده شده است. در ادامه به این منابع و روایت‌های آن‌ها اشاره می‌شود.

أ. تفسیر علی‌بن‌ابراهیم قمی: ابوالحسن علی‌بن‌ابراهیم‌بن‌هاشم قمی[1](زنده در قرن سوم هجری) از راویان معتبر شیعه به شمار می‌آید. خویی در بیان جایگاه وی می‌نویسد: نام وی در اسناد حدود ۷۱٤۰ روایت در مجامع حدیثی کهن شیعه واقع شده و حدود ٦۲۱۰ روایت را از پدر خود ابراهیم‌بن‌هاشم روایت کرده است (۱۹٤/۱۱). نجاشی در معرفی آثار او از کتاب التفسیر نیز نام برده است (۱٦۰).

تفسیر قمی[2] ازجمله مصادری است که شیخ طوسی در نقل روایات و اقوال تفسیری بدان توجه داشته و برخی روایات را از آن نقل کرده است؛ یکی در تفسیر آیهٔ «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یَوْمَ الْقِیامَةِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً» (نساء: ۱۵۹) که پس از اشاره به دیدگاه مفسران عامه دربارهٔ ایمان‌آوردن همهٔ یهودیان به حضرت عیسی در زمان قیام حضرت مهدی(ع) می‌نویسد: «و اختاره الطبری قال: و الآیة خاصة لمن یکون فی ذلک الزمان و هو الذی ذکره علی‌بن‌ابراهیم فی تفسیر أصحابنا» (طوسی، ۳۸۶/۳) که این روایت در تفسیر قمی دیده می‌شود (قمی، ۱۵۸/۱) و دیگری در تفسیر آیهٔ ۴۴ سورهٔ اسراء که می‌نویسد: «و قال الحسن: المعنی: و إن من شیء من الأحیاء إلا یسبح بحمده و قال علی‌بن‌ابراهیم و غیره من اهل العلم: کل شیء علی العموم یسبح بحمده حتی صریر الباب» (طوسی، ۴۸۳/۶). این مطلب با تفاوتی اندک در تفسیر قمی نقل شده است (قمی، ۲۰/۲). شیخ طوسی برخی روایات را نیز بدون اشاره به تفسیر قمی نقل کرده است که این روایات تنها در این تفسیر نقل شده‌اند (طوسی، ۱۰/۳؛ ۱۶۳/۴؛ ۳۱۷/۵؛ ۴۹۴/۶ و...). همین موارد در تفسیر قمی ذکر شده است (۱۲۰/۱ و ۲۰۳ و ۳۰۷؛ ۲۱/۲).

منابع اکنون در اختیار ما نیست و به دست ما نرسیده است و مطالب موجود در تفسیر شیخ در منابع موجود یافت می‌شود.

۱. بحث بر سر تفسیر علی‌بن‌ابراهیم موجود و انتساب بخشی یا همهٔ آن به قمی بحثی جدی است و پژوهشگران شیعه ازجمله آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله سیدموسی شبیری به این بحث پرداخته‌اند (مقدمهٔ تفسیر قمی) و اثبات این انتساب و روایات کتاب به نقل علی‌بن‌ابراهیم مجال دیگری می‌طلبد. البته ملاک ما در تطبیق روایات تفسیر موجود قمی است.

۲. در انتساب همهٔ تفسیر موجود به علی‌بن‌ابراهیم اختلاف‌نظر وجود دارد (آقا بزرگ تهرانی، ۳۰۳/۴؛ شبیری، ۵۰؛ دانشنامهٔ جهان اسلام، ۷۰۲/۷).

ب. *المصابیح فی تفسیرالقرآن*، نوشتۀ حسین‌بن‌علی المغربی: ابوالقاسم الحسین‌بن‌علی‌بن الحسین، معروف به وزیر مغربی (۳۷۰تا٤١٨ق) از مفسران شیعه است (نجاشی، ٦٩). وی ادیب، شاعر، سیاستمدار و وزیر در حکومت‌های مختلف فاطمی، آل‌بویه بوده و از جایگاهی درخورِ توجه در سیر تاریخ تفسیر شیعه برخوردار است. آثار و تألیفات زیادی برای وزیر مغربی شمرده شده و ازجملۀ آن‌ها تفسیر «المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم»[1] است که از منابع مورد استفادۀ شیخ طوسی است و در نقل روایات بسیار به آن توجه داشته است.

نام المغربی ۵۸ بار در التبیان تکرار شده است.[2] از این موارد ۵ مورد روایت تفسیری و ۵۳ مورد دیگر، نقل اقوال تفسیری و ادبی مغربی است. افزون بر این موارد، روایات دیگری نیز در التبیان وجود دارد که با جست‌وجو و تطبیق واژگان می‌توان دریافت از تفسیر المصابیح نقل شده است، اما شیخ طوسی هنگام نقل آن‌ها نامی از مغربی نبرده است؛ مثلاً ذیل آیۀ ۱۴ بقره در تبیین مصادیق «شیاطینهم» آورده است: «و قیل: إن شیاطینهم: رؤساؤهم و قیل: أرید بهم أصحابهم من الکفار و روی عن أبی‌جعفر(ع): أنهم کهانهم» (طوسی، ۷۹/۱). روایت منسوب به امام باقر(ع) در تفسیر مغربی نقل شده است (وزیر مغربی، ۱۰۴/۱). موارد دیگر این نقل‌ها عبارت‌اند از: طوسی(۷۹/۱ و ۳۲۲ و ۳۸۹؛ ۱۶/۲ و ۶۹ و ۱۹۵؛ ۴۰۰/۴و...) و همین موارد در المصابیح (۴۵۲،۲۲۶،۱۹۹،۱۹۴،۱۷۴،۱۵۷،۱۰۴).

یادآور می‌شود که نسخۀ موجود تفسیر المصابیح تا پایان سورۀ اسراء است و معلوم نیست که آیا شیخ به تمامی المصابیح دسترسی داشته یا نسخۀ کنونی آن را در اختیار داشته است؟ در هر صورت، آخرین نام از المغربی در التبیان در تفسیر آیۀ یازدهم سورۀ یونس برده شده است و اهمیت وزیر مغربی و تفسیرش به این دلیل است که وی نخستین مفسر شیعی است که علاوه بر نقل روایات تفسیری ائمه(ع)، اقوال تفسیری صحابه و تابعین را از منابع اهل‌سنت گزارش می‌کند و درعین‌حال به آرای اندیشمندان معتزله توجه دارد و گاه آرای آن‌ها را نقد و بررسی می‌کند و در تفسیر خود به مسائل ادبی، لغوی آیات توجه بسیار نشان می‌دهد (کریمی‌نیا، ۳)، روشی که با بسط و توسعۀ بیشتر در التبیان ادامه یافته است.

شیخ طوسی ذیل آیۀ: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ»(بقره: ۷۹) در تبیین اعمال یهود در تحریف دین می‌نویسد: «و روی عن أبی جعفر(ع)، و ذکره ایضاً جماعة من اهل التأویل أن أحبار الیهود کانت غیرت

---

۱. در معالم العلماء همین نام را برای تفسیر مغربی ذکر کرده است (ابن‌شهر آشوب، ۱۷۲)، اما نجاشی نام این کتاب را خصائص القرآن ضبط کرده است (نجاشی، ٦٩).

۲. برای نمونه دیدگاه‌های مغربی در التبیان نک: طوسی، ۵۹/۱ و ۱۲۹ و...؛ ۲۷۵/۲ و...؛ ۲۲/۳ و ۳۱ و ۱۰٤؛ وزیر مغربی، ۱۰۱، ۱۱۵، ۲۳۸، ۲۷۳، ۲۷٤، ۲۹۱).

صفة النبی(ص) لیوقعوا الشک للمستضعفین من الیهود» (التبیان، ۳۲۲/۱). این روایت در تفسیر المصابیح نقل شده است (وزیر مغربی، ۱۵۷)، چنان‌که بعد از التبیان با تغییری اندک در مجمع البیان نقل شده (طبرسی، ۲۹۲/۱) و از آنجا به تفاسیر روایی متأخر راه یافته است (حویزی، ۹۳/۱؛ قمی مشهدی، ۶۲/۲). شیخ طوسی نیز در تفسیر آیهٔ «وَ قالَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنا کَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ کَما تَبَرَّؤُا مِنَّا کَذلِکَ یُرِیهِمُ اللَّهُ أَعْمالَهُمْ حَسَراتٍ عَلَیْهِمْ وَ ما هُمْ بِخارِجِینَ مِنَ النَّارِ» (بقره: ۱۶۷) در معرفی کسانی که با مشاهدهٔ اعمالشان دچار حسرت می‌شوند، می‌نویسد: «و روی عن أبی‌جعفر(ع) أنه قال: هو الرجل یکتسب المال، و لایعمل فیه خیراً، فیرثه من یعمل فیه عملاً صالحاً، فیری الأول ما کسبه حسرة فی میزان غیره» (طوسی، ۶۹/۲). این روایت فقط با تفاوت واژهٔ «فیریه» به جای «فیرثه» در تفسیر مغربی آمده است (وزیر مغربی، ۱۹۹) و از تفسیر التبیان نیز به تفاسیر دیگر راه یافته است (طبرسی، ۴۵۸/۱؛ قمی مشهدی، ۲۱۶/۲؛ حویزی، ۱۵۲/۱؛ بحرانی، ۳۷۰/۱).

لازم به ذکر است که روایت المصابیح به‌شکل مفصل در منابع دیگر دیده می‌شود: «عَنْ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ(ع) فِی قَوْلِ اللَّهِ (کَذلِکَ یُرِیهِمُ اللَّهُ أَعْمالَهُمْ حَسَراتٍ عَلَیْهِمْ) قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ یَدَعُ الْمَالَ لَایُنْفِقُهُ فِی طَاعَةِ اللَّهِ بُخْلًا- ثُمَّ یَمُوتُ فَیَدَعُهُ لِمَنْ هُوَ یَعْمَلُ بِهِ- فِی طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ فِی مَعْصِیَتِهِ، فَإِنْ عَمِلَ بِهِ فِی طَاعَةِ اللَّهِ رَآهُ فِی مِیزَانِ غَیْرِهِ- فَزَادَهُ حَسْرَةً وَ قَدْ کَانَ الْمَالُ لَهُ، أَوْ مَنْ عَمِلَ بِهِ فِی مَعْصِیَةِ اللَّهِ قَوَّاهُ بِذَلِکَ الْمَالِ حَتَّى أَعْمَلَ بِهِ فِی مَعَاصِی اللَّهِ» (عیاشی، ۷۳/۱؛ کلینی، ۴۲/۴). نمونه‌های متعددی در التبیان (۳۸۹/۱، ۲۸۵/۳، ۱۶۷/۴ و ۱۷۷، ۶/۵ و ۲۴۴) و نیز در المصابیح (۱۷۴، ۳۲۹، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۷۰ و ۵۲۱) می‌توان یافت.

ج. کتاب ابوعبداللّه محمدبن‌عمر الواقدی: ابوعبداللّه محمدبن‌عمر الواقدی (م۲۰۷ق) ازجمله مورخان مشهور است. ابن‌ندیم وی را شیعه دانسته و آثار زیادی به‌ویژه در تاریخ برای او نام برده است. اخبار واقدی، المغازی و اخبار مکه ازجمله آثار اوست (ابن‌ندیم، ١٤٤). برخی کتاب تفسیری نیز به وی نسبت داده‌اند (زرکلی، ١١١/٦). کتاب واقدی از منابع تاریخی روایی التبیان است که برخی روایات تاریخی، سیرهٔ پیامبر و اسباب نزول آیات از آن نقل‌شده است. الواقدی ۱۵ بار در التبیان نام برده شده است. شیخ طوسی با عنوان «و الحدیث مشروح فی کتاب الواقدی» از اثر وی نام برده و به‌طور مشخص نام کدام کتاب را ذکر نکرده است (طوسی، ٢٦١/٥)؛ برای نمونه، در بیان سبب نزول آیهٔ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا ضَرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَتَبَیَّنُوا...» (نساء: ۹۴)، اقوال مفسران را نقل می‌کند و دربارهٔ سبب نزول آیه می‌نویسد: «و قال ابوعمرو الواقدی و ابن‌اسحاق: نزلت فی عامربن‌الأضبط الاشجعی لقیته سریة لأبی قتادة فسلم علیه فشد محلم‌بن‌جثامة فقتله لإحنة کانت بینهم ثم جاء النبی(ص) و سأل ان یستغفر له فقال النبی(ص) لا غفر اللّه لک و انصرف باکیاً فما مضت علیه سبعة أیام حتی هلک فدفن، ثم لفظته الأرض فجاءوا إلی

النبی(ص) و أخبروه فقال(ع): إن الأرض تقبل من هو شر من محلم صاحبکم، لکن اللّٰه أراد أن یعظم من حرمتکم، ثم طرحوه بین صد فی جبل، و القوا علیه الحجارة، فنزلت الآیة» (همان، ۲۹۸/۳). این سبب نزول با اختلاف اندکی در الفاظ در المغازی واقدی نقل شده است (واقدی، ۷۹۷/۲؛ نک: طوسی، ۳/۲؛ ۵۷۸/۵ و ١٤٦ و ٢٦٠ و ٤٦٤). همین موارد در المغازی نیز دیده می‌شود (واقدی، ۴۴/۱ و ۱۷۷؛ ۱۹۵/۳؛ ۱۰۶/۸).

***د. کتاب العین*، نوشتهٔ خلیل‌بن‌احمد فراهیدی:** خلیل‌بن‌احمد فراهیدی (م۱۷۰ق) از بزرگان ادب و لغت شناخته می‌شود. برخی وی را شیعه دانسته‌اند (حلی، ١٤٢؛ علامه حلی، ٦٧). کتاب العین وی از کهن‌ترین منابع لغت و واژه‌شناسی است. این کتاب ازجمله منابع شیخ طوسی است که در بررسی واژگان از آن بهره برده و نام آن را به‌صراحت ذکر کرده است. عنوان «صاحب العین»[۱] ۷۸ بار و «الخلیل» نیز ٦٠ بار در التبیان تکرار شده است.

مواردی از روایات در التبیان وجود دارد که بلافاصله بعد از واژه‌شناسی نقل شده است. این روایات از پیامبر(ص) نقل شده است؛ برای نمونه، در بررسی معنایی واژهٔ «تحت» در آیهٔ ۲۶۶ سورهٔ بقره این‌گونه آورده است: «مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ» و تحت، نقیض فوق است و در حدیث آمده است: «لا تقوم الساعة حتی یظهر التحوت أی الذین کانوا تحت أقدام الناس لا یشعر بهم ذلًا» (طوسی، ۳۴۱/۲). این توضیحات به همراه همین روایت دقیقاً در العین نقل شده است (فراهیدی، ۲۱/۳). برخی نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: طوسی (۲۱۶/۱ و ۲۳۹ و ۴۲۲ و ۴۸۰) و فراهیدی (۱۸/۷؛ ۴۵۸/۲؛ ۲۴۸/۳؛ ۳۹/۵).

***ه. جامع البیان فی تفسیر القرآن*، نوشتهٔ محمدبن‌جریر طبری:** به این نکته باید توجه داشت که شیخ طوسی برخی روایات اهل بیت(ع)، به‌ویژه روایات پیامبر و حضرت علی(ع) را از جامع البیان طبری نقل کرده است، گرچه تعداد این روایات زیاد نیست. مقبولیت تفسیر جامع البیان در میان دانشمندان اهل‌سنت، رویکرد تقریبی و جامع‌نگر شیخ طوسی در بهره‌گیری از تألیفات اندیشمندان مسلمان در تفسیر التبیان در بهره‌گیری از جامع البیان تأثیر جدی داشته است؛ برای نمونه، شیخ طوسی در تفسیر آیهٔ «وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ ...»(الأنفال: ٤١) به تفاوت «فَیء» و «خمس» اشاره و نظر فقهی شیعه را مطرح کرده است. وی در ادامه، روایتی را از امام سجاد و امام باقر(ع) به نقل از تفسیر طبری آورده است «و عند أصحابنا ان مال الفیء للإمام خاصة یفرقه فیمن شاء بعضه فی مؤونة نفسه و ذوی قرابته و الیتامی و المساکین و ابن السبیل من اهل بیت رسول اللّٰه لیس لسائر الناس فیه شیء. و اما خمس الغنیمة، فانه یقسم عندنا ستة اقسام: فسهم للّٰه، و سهم لرسوله

۱. بیشتر این نقل‌ها در جلد ۱ و ۲ التبیان است و یک نقل در جلد ٦ و ۱۰ وجود دارد.

للنبی، و هذان السهمان مع سهم ذی القربی، للقائم مقام النبی(ص) ینفقها علی نفسه و أهل بیته من بنی هاشم، و سهم للیتامی: و سهم للمساکین: و سهم لأبناء السبیل من أهل بیت الرسول لایشرکهم فیها باقی الناس لأن اللّٰه تعالی عوضهم ذلک عما أباح لفقراء المسلمین و مساکینهم و أبناء سبیلهم من الصدقات إذ کانت الصدقات محرمة علی أهل بیت الرسول(ع) و هو قول علی‌بن‌الحسین‌بن‌علی‌بن‌أبی طالب، و محمدبن‌علی الباقر ابنه(ع) رواه الطبری بإسناده عنهما» (التبیان، ۱۲۳/۵). مضمون این روایت در جامع البیان نقل شده است (۷/۱۰؛ نک: طوسی، ۳۱۱/۱؛ ۱۱۷/۲؛ ٦/ ۲٥٥؛ ۳٥۱/۸؛ ۲٦۲/۹؛ ۹۸/۱۰). همین موارد در جامع البیان نیز دیده می‌شود (طبری، ۲۸۹/۱؛ ۸۹/۲؛ ۱۰٤/۱۳؛ ۱۷/۲۲؛ ۹٥/۲٥؛ ۳٥/۲۹).

۳. منابع احتمالی

منابع احتمالی منابعی است که شواهدی بر استفادهٔ آن‌ها توسط شیخ طوسی وجود دارد؛ ولی به‌صورت قطعی نمی‌توان گفت مؤلف از آن‌ها استفاده کرده است.

۳. ۱. تفاسیر

بخشی از منابع احتمالیِ تفسیر التبیان، تفاسیر شیعه هستند که احتمالاً شیخ طوسی بدان‌ها توجه داشته یا این تفاسیر را در اختیار داشته است.

أ. *التفسیر*، نوشتهٔ ابونضر محمدبن‌مسعود عیاشی: التفسیر، نوشتهٔ ابونضر (ابوالنصر) محمدبن مسعود عیاشی (م۳۲۰ق)، از تفاسیر کهن شیعه است که تفسیر روایی قرآن است و تا پایان سورهٔ کهف را شامل می‌شود؛ اما باتوجه‌به برخی روایات موجود در آثار دوره‌های بعد می‌توان گفت: این تفسیر شامل تفسیر همهٔ قرآن بوده است (حسکانی، ٤٦۹/۱ و ٤۸۰ و ٥۰٥).

شیخ طوسی در التبیان از این تفسیر نام نبرده است؛ ولی تطبیق برخی روایات با مصادر متقدم نشان می‌دهد که وی برخی روایات خود را از آن نقل کرده است؛ برای نمونه، در تفسیر عبارت «الَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ...» (بقره: ۱۲۱) می‌نویسد: «روی عن أبی‌عبدالله(ع) حق التلاوة: الوقوف عند ذکر الجنة و النار» (٤٤۲/۱). این روایت دقیقاً با همین الفاظ فقط در تفسیر عیاشی نقل شده است (عیاشی، ٥۷/۱). در تفسیر آیهٔ «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْييكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُون» (انفال: ۲٤) نیز یکی از تفسیرهای آیه را دگرگونی قلب از حالی به حال دیگر توسط خداوند مقلب‌القلوب می‌داند و می‌نویسد: «روی عن أبی‌عبداللّٰه علیه السلام فی معنی قوله «يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِه» قال لایستیقن القلب أن الحق باطل أبداً و لایستیقن أن الباطل حق ابداً» (طوسی، التبیان، ۱۰۱/٥). عیاشی این روایت را از یونس‌بن‌عمار در تفسیر آیه آورده است: «عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ

قَالَ لَايَسْتَيْقِنُ الْقَلْبُ أَنَّ الْحَقَّ بَاطِلٌ أَبَداً، وَ لَايَسْتَيْقِنُ أَنَّ الْبَاطِلَ حَقٌّ أَبَداً» (عیاشی، ۵۳/۲؛ نک: طوسی، ۱٤۲/۲ و ۱۵۳ و ٥٤٤؛ ۷٦/٤؛ عیاشی، ۸٦/۱ و ۱۵۳ و ۱۸۷ و ۱۹٤).

ب. تفسیر ابی‌الجارود: زیادبن‌منذر، مکنی به ابوالجارود،[1] از امام سجاد، امام باقر و امام صادق(ع) روایت نقل کرده است (خویی، ۷۷/۲۱). کشی روایاتی مبنی‌بر ذم وی نقل کرده است (۲۳۰)، ولی نجاشی و طوسی فقط به معرفی او بدون مدح و ذم پرداخته‌اند (نجاشی، ۱۷۰؛ طوسی، ۱۳۵). برای او کتاب تفسیری نام برده شده است (نجاشی، ۱۷۰) و ابن‌ندیم، روایات منقول از ابی‌الجارود را با عنوان «کتاب الباقر محمدبن‌علی‌بن‌الحسین(ع) رواه عنه أبوالجارود زیادبن‌المنذر رئیس الجارودیة الزیدیة» نام برده است (ابن‌ندیم، ۵۰). این تفسیر اکنون موجود نیست.[2]

در التبیان بدون هیچ اشاره‌ای به تفسیر او، ۱۳روایت با عنوان "ابی‌الجارود نقل شده است (طوسی، ۱۱۲/۳ و ۱٤۹ و ۳۲۳). برخی از این روایات در تفسیر قمی به نقل از ابی‌الجارود آمده است (قمی، ۱۳۱/۱ و ۱۳٤ و ۱۵۲)، اما برخی از این روایات در تفسیر قمی موجود نیست (طوسی، ۳/۲؛ ۱٤۱/۵۳ و ۲۱۵ و ۲۹۰ و ۳۱۰) و نشان می‌دهد شیخ طوسی این روایات را از منبع دیگری نقل کرده است.[3] برخی پژوهشگران معتقدند آرای منقول از ابوالجارود پس از اقوال و آرای تفسیری صحابه و تابعین نقل شده است و هیچ نشانی از جانبداری از اعتقادات شیعه در آن‌ها وجود ندارد (کریمی‌نیا، ۹۱).

نکتهٔ درخورِ توجه اینکه ۱۲ مورد از روایات ابوالجارود در جلد سوم التبیان نقل شده است. احتمالاً شیخ طوسی در زمان نگارش جلد سوم، به تفسیر وی یا کتابی که حاوی روایات ابوالجارود بوده است، دسترسی داشته است؛ برای نمونه در آیهٔ «و اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثاقَهُ الَّذِي واثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» (مائدة: ۷)، در تبیین میثاقی که خداوند از بندگان خود گرفته است، می‌نویسد: «و قال ابوالجارود عن ابی‌جعفر(ع) المیثاق هو ما بین لهم فی حجة الوداع من تحریم کل مسکر و کیفیة الوضوء علی ما ذکره اللّه و غیر ذلک و نصب امیرالمؤمنین(ع) اماماً للخلق» (طوسی، ٤٦۰/۳). در تفسیر قمی بدون اشاره به نام ابوالجارود به‌صورت کلی مراد از میثاق را ولایت دانسته است: «و قوله وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثاقَهُ- الَّذِي واثَقَكُمْ بِهِ قال لما أخذ رسول اللـه(ص) المیثاق علیهم بالولایة» (قمی، ۱٦۳/۱). نمونه‌های بیشتری نیز در التبیان وجود دارد (۱۱۲/۳ و ۱٤۹ و ۳۰۳ و ۳۰٦ و

۱. از او به‌عنوان بنیان‌گذار فرقهٔ جارودیه نام برده شده است. منابع زیادی از او نام برده‌اند، اما انبوه خلط میان او و دیگران بر ناشناخته‌ماندن شخصیت او افزوده است (دانشنامهٔ بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقالهٔ ابوالجارود، ۲۸۹/۵). نام او در اسناد روایات مصادری همچون المحاسن، بصائر الدرجات، تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، الکافی و... دیده می‌شود.

۲. مجموعه‌ای از روایات نقل‌شده از ابی‌الجارود در مصادر متقدم توسط آقای علیشاه علی‌زاده در کتابی با مشخصات زیر جمع‌آوری شده است: (ابوالجارود، زیادبن‌منذر، تفسیر ابی‌الجارود و مسنده، گردآوری و تحقیق علیشاه علی‌زاده، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱٤۳٤ق)

۳۲۳ و ٤٤٦ و ٤٦٠) و برخی از این موارد در تفسیر قمی (۱۳۱/۱ و ۱۳٤).

ج. جابربن‌یزید جعفی: جابربن‌یزید جعفی یکی از این راویان شیعی است که در التبیان شش مرتبه نام او به‌صورت (روی عن جابر)[1] در نقل روایات امام باقر(ع) آورده شده است. تطبیق روایات با مصادر متقدم نشان می‌دهد، منظور جابربن‌یزید جعفی است. وی، در کتب رجال از اصحاب امام باقر و امام صادق(ع) شمرده شده است (نجاشی، ۱۲۸) و شیخ طوسی در الفهرست برای او کتابی در تفسیر ذکر کرده است (۱۱٦).[2] شیخ در تفسیر آیهٔ ۱۸۹ بقره در بیان معنای «وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ» یکی از دیدگاه‌های مطرح‌شده در تفاسیر را انجام کارهای نیک به‌صورتی که خدا امر کرده است می‌دانند و به روایتی از امام باقر(ع) استشهاد می‌کند: «وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوابِها. أی أتوا البر من وجهه الذی أمر اللّه به، و رّغب فیه، و هذا الوجه حسن. و روی جابر عن ابی‌جعفر محمدبن‌علی(ع) فی قوله: وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ. الآیة، قال: یعنی أن یأتی الأمر من وجهه أی الأمور» (۱٤/۲). این روایت در مصادر متقدم به نقل از جابربن‌یزید نقل شده است (عیاشی، ۸٦/۱؛ برقی، ۲۲٤/۱). در سند المحاسن عمربن‌شمر آمده است که از راویان جابربن‌یزید در نقل حدیث است (نک: طوسی، ۱٤۲/۲ و ۱٦۸؛ ۲٤٤/٥؛ ۳۸٤/٦؛ ۱۳/۹ و ٥٤٤). برخی از این موارد در دیگر منابع نیز وجود دارد (نک: کلینی، ۲۱۲/۱؛ عیاشی، ۲٦۰/۲).

د. تفسیر فرات‌بن‌ابراهیم کوفی: ابوالقاسم، فرات‌بن‌ابراهیم‌بن‌فرات کوفی (م۳۰۷ق) از شخصیت‌های دوران غیبت صغری است. وی از راویان حدیث و از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام عسکری(ع)، معرفی شده است و روایات فراوانی از حسین‌بن‌سعید اهوازی نقل می‌کند و همچنین شیخ صدوق و پدرش روایات زیادی از فرات نقل می‌کنند (خویی، ۲۵۲/۱۳). احتمال دارد باتوجه‌به اینکه نامی از فرات‌بن‌ابراهیم در کتب رجالی متقدم نیامده است، شیخ طوسی به این تفسیر توجهی نداشته است؛ اما گاه در تطبیق روایات التبیان، تشابه آن‌ها با روایات تفسیر فرات مشاهده می‌شود؛ برای نمونه، پس از تبیین معنایی آیهٔ «...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لايَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْباب» (زمر: ۹) آورده است: «روی جابر عن ابی‌جعفر(ع) فی تفسیر هذه الآیة انه قال: نحن الذین یعلمون و عدونا الذین لایعلمون» (طوسی، ۱۳/۹). این روایت با اضافه «وَ شِيعَتُنَا أُولُوا الْأَلْبَابِ» در تفسیر فرات نقل شده است

۱. این نکته را باید یادآور شد که روایات دیگری با عنوان روی عن جابر نقل شده است که جابر، صحابی پیامبر منظور است. روایات این صحابی گاه با عنوان جابربن‌عبدالله نقل شده (طوسی، ٤٦/۱؛ ٤٥/۳ و...) و گاه نام او در میان روایات، صحابه ذکر شده است (همان، ٤۲۷/۱، ۲۲٤/۲ و ٥۷۷ و...) و گاه سیاق روایت، مربوط به زمان پیامبر(ص) است (همان، ۱٥۹/۲، ٥۱/۳ و ۹۳ و...). این موارد، روایات جابر صحابی پیامبر را از روایات جابربن‌یزید جعفی مشخص می‌سازد.

۲. شیخ با ذکر سند مشخص می‌کند که به روایات کتاب جابر آگاهی داشته است (و له کتاب التفسیر. أخبرنا به جماعة من أصحابنا، عن أبي‌محمد هارون‌بن‌موسی التلعکبري، عن أبي‌علي‌بن‌همام، عن جعفربن‌محمدبن‌مالك و محمدبن‌جعفر الرزاز، عن القاسم‌بن‌الربیع، عن محمدبن‌سنان، عن عماربن‌مروان، عن منخل‌بن‌جمیل، عن جابر) (طوسی، فهرست، ۱۱۶).

(کوفی، ۳٦٤؛[1] نک: طوسی، ٤٤١/۲ و ٤٥۸؛ ۹۸/۱۰و...). همین موارد در تفسیر فرات نیز دیده می‌شود (کوفی، ۷۸ و ۸۵ و ٥۰۰).

ه. تألیفات سیدمرتضی: ابوالقاسم علی‌بن‌حسین‌بن‌موسی (۳٥٥تا٤۳٦ق)، معروف به سیدمرتضی و علم الهدی از بزرگان شیعه در قرن ٤ و٥ است. ازجمله آثار قرآنی سیدمرتضی می‌توان بـه «تفسیر نفائس التأویل»، «المحکم و المتشابه» اشاره کرد (نجاشی، ۲۷۱). باتوجه‌به شاگردی شیخ طوسی نزد سیدمرتضی، بدون شک آثار استادش را در اختیار داشته و از آن‌ها در نگارش التبیان استفاده کرده است. نام علی‌بن‌الحسین الموسوی المعروف بالمرتضی» پنج مرتبه در التبیان همراه با دیدگاه تفسیری وی آمده است (طوسی، ٥/۲ و ۹؛ ۳۹۸/۹؛ ۱٤۹/٤۲)؛ ازجمله در ابتدای التبیان در بحث عدم‌تحریف و تأیید آن از سیدمرتضی نام می‌برد (۳/۱)، بااین‌حال نام سیدمرتضی در نقل روایات دیده نمی‌شود و فقط در جست‌وجو و تطبیق یک روایت به تفسیر سیدمرتضی می‌رسیم. شیخ طوسی در ذیل آیهٔ «أُولئِکَ لَهُمْ نَصِیبٌ مِمَّا کَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِیعُ الْحِسابِ» (بقره: ۲۰۲) می‌نویسد: «روی عن علی(ع) أنه قال: معناه إنه یحاسب الخلق دفعة کما یرزقهم دفعه» (۱۷٤/۲). این روایت در امالی و نهج البلاغه با افزایش الفاظ آمده است: «وَ سُئِلَ(ع) کَیْفَ یُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَی کَثْرَتِهِمْ فَقَالَ(ع) کَمَا یَرْزُقُهُمْ عَلَی کَثْرَتِهِمْ فَقِیلَ کَیْفَ یُحَاسِبُهُمْ وَ لَایَرَوْنَهُ فَقَالَ(ع) کَمَا یَرْزُقُهُمْ وَ لَایَرَوْنَه» (علم‌الهدی، ۱٤۸/۱؛ شریف رضی، ٥۲۸). نمونه‌های دیگری از روایات که احتمال نقل آن‌ها از آثار سیدمرتضی وجود دارد، عبارت‌اند از: (طوسی، ۱٥۰/۱ و ٤۱۸؛ ۲۳۹/۲؛ علم‌الهدی، ٤۰۷/۱و٥۳٤؛ ۱٤۰/۲).

۳. ۲. منابع روایی و حدیثی

بخش دیگری از منابع احتمالی شیخ طوسی، مجموعه‌های روایی است. وی، نام هیچ‌کدام از مجموعه‌های حدیثی غیرتفسیری شیعه و اهل‌سنت، همچون کتب اربعه یا صحاح سته و مؤلفان آن‌ها را در التبیان ذکر نکرده است.[2] این در حالی است که شیخ طوسی در بغداد می‌زیسته و به این کتاب‌ها دسترسی داشته است. البته باتوجه‌به کاربرد تعابیری مانند «روایاتنا»، «ما رواه أصحابنا»، «روی عن ائمتنا»، «المروی عن أئمتنا» و «المروی فی أخبارنا» در التبیان چنین به دست می‌آید که شیخ طوسی به مجموعه‌های روایی شیعه دسترسی و توجه داشته است، اما به دلایلی از انعکاس مستقیم آن‌ها در تفسیر خود پرهیز کرده است. در تطبیق این موارد با روایات اهل بیت(ع) در مصادر متقدم شیعه می‌توان دریافت

۱. همین روایت در این منابع نیز آمده است (کلینی، ۲۱۲/۱؛ صفار، ٥٤/۱).

۲. شیخ طوسی فقط در یک مورد به کتاب تهذیب الأحکام خود اشاره کرده است (طوسی، التبیان، ٤۰۹/۳).

که کتاب‌هایی همچون المحاسن، الکافی و برخی آثار شیخ صدوق، بصائر الدرجات[1] و دعائم الاسلام ابن حیون مغربی و... از منابعی است که شیخ طوسی در نقل روایات خود از آن‌ها استفاده کرده است. در ادامه برخی از این منابع ذکر می‌شود.

أ. *الکافی*: کلینی از محدثان نامدار شیعه در قرن چهارم هجری است که کتاب روایی او به نام کافی از کتب اربعهٔ شیعه به شمار می‌آید. وی، اولین کسی است که شیخ طوسی در المشیخه تهذیب، طریق خود به آن را ذکر کرده است (طوسی، المشیخة، ٤). شیخ، سند خود را با دو طریقِ شیخ مفید از ابوالقاسم ابن قولویه و حسین‌بن‌عبیدالله غضائری از ابی‌غالب احمدبن‌محمد و دیگران به روایات کافی می‌رساند (همان، ٥تا١١). بنابراین، وی به روایات این کتاب اشراف داشته و از آن نیز در التبیان استفاده کرده است؛ چنان‌که در تطبیق و جست‌وجوی برخی روایات تفسیر التبیان، نام کافی مشاهده می‌شود؛ برای نمونه در تبیین امنیت مکه در تفسیر آیهٔ «وَ إِذْ قالَ إِبْراهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ قالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلى عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ» (بقره: ١٢٦)، پس از اشاره به دیدگاه برخی مفسران یادآور می‌شود که این مطلب در روایات شیعه نیز آمده است: «قال مجاهد عن ابن‌عباس و ابوشریح الخزاعی: کان آمنا لقول النبی(ص) حین فتح مکة هذه حرم حرمها اللّه یوم خلق السماوات و الأرض و هو الظاهر فی روایاتنا» (طوسی، ٤٥٦/١). این روایت در کتاب کافی چنین آمده است: «علی‌بن‌إبراهیم عن أبیه... قال: قال رسول‌الله(ص) یوم فتح مکة إن الله حرم مکة یوم خلق السماوات و الأرض و هی حرام إلی أن تقوم الساعة لم تحل لأحد قبلی و لاتحل لأحد بعدی و لم تحل لی إلا ساعة من نهار» (کلینی، ٢٢٥/٤؛ ابن‌بابویه، ٢٤٥/٢). نمونه‌های دیگر در التبیان و کافی نیز آمده است (طوسی، ٤٥٣/١؛ ١٥٨/٢ و ٢١٤ و ٢٢٨؛ ١٦/٤؛ ٢٩٥/٥؛ ٣١٤/٧ و...؛ کلینی، ٢١٩/١؛ ۵۲/۴ و ۲۲۳ و ۳۵۸؛ ۱۲۲/۵؛ ۴۴۳/۷).

ب. آثار شیخ صدوق: شیخ صدوق ازجمله محدثان پرکار شیعه و از بزرگان مکتب حدیثی قم و ری است. او در سال۳۵۵ق به بغداد آمد و برای دانشمندان این شهر نقل حدیث کرد (نجاشی، ۳۸۹) و همچنین برای جمع احادیث اهل بیت(ع) سفرهای علمی زیادی انجام داد. مجموع این عوامل سبب شد شیخ صدوق برای محدثان شیعه و اهل‌سنت و نیز اساتید شیخ طوسی و دیگر بزرگان شیعه شناخته شود؛ با این وصف، شیخ طوسی در تفسیر خود هیچ نامی از این محدث نامدار شیعه و آثار وی نبرده است؛ اگرچه در کتب رجالی خود وی را ستوده و آثارش را نام برده (رجال، ٤٣٩؛ الفهرست، ٤٤٢) و همچنین در

---

١. برخی پژوهشگران درباره بصائر الدرجات و نویسنده آن اختلاف‌نظر دارند و براین عقیده‌اند که نویسندهٔ آن شخصی غیر از محمدبن‌حسن صفار است. (انصاری، ٦٣). جدای از اختلاف در باره نویسنده این کتاب، برخی روایات التبیان را در بصائر الدرجات فعلی می‌توان پیدا کرد.

مشیخه کتاب‌های استبصار و تهذیب نام وی را ذکر کرده است (استبصار، ۳۲٦؛ تهذیب، المشیخه، ٧٤ و ٧٧). در تطبیق روایات التبیان با مصادر متقدم، نام آثاری از شیخ صدوق مشترک با دیگر مجامع حدیثی دیده می‌شود، اما به‌صورت قطعی نمی‌توان گفت شیخ طوسی به این کتاب‌ها توجه داشته است؛ ازجمله این آثار عبارت‌اند از: عیون اخبار الرضا(ع)، اعتقادات الإمامیه، کتاب من لایحضره الفقیه، کمال‌الدین و تمام النعمة، الخصال و معانی الأخبار.

برای نمونه، شیخ طوسی در تفسیر آیۀ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳) در بیان مصادیق غیب می‌نویسد: «واما الغیب فحکی عن ابن‌عباس انه قال: ما جاء من عندالله. و قال جماعة من الصحابة کابن‌مسعود و غیره: ان الغیب ما غاب عن العباد علمه من امر الجنة و النار و الأرزاق و الأعمال و غیر ذلک، و هو الأولی لأنه عام، و یدخل فیه ما رواه أصحابنا من زمان الغیبه و وقت خروج المهدی(ع)» (۵۵/۱). اشارۀ روایی شیخ طوسی با عنوان «اصحابنا» را می‌توان در آثار شیخ صدوق یافت: «وَ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبْنُ‌مُوسَى‌بْنِ‌الْمُتَوَكِّلِ... عَنْ دَاوُدَبْنِ‌كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ، عَنْ أَبِي‌عَبْدِاللَّهِ(ع) فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ. قَالَ: «مَنْ آمَنَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ(ع) أَنَّهُ حَقٌّ» (ابن‌بابویه، ۱۷/۱). تفسیر غیب به زمان قیام قائم در مصادر متقدم، تنها در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمة آمده است؛ درنتیجه، احتمال استفادۀ شیخ طوسی از کتب شیخ صدوق تقویت می‌شود. برای نمونه‌های دیگر مراجعه شود به (طوسی، ۲٦۰/۱ و ٤۲۷؛ ۹۷/۲ و ۲۹٤؛ ۱۵٦/٤و...). این موارد در آثار شیخ صدوق نیز دیده می‌شود (الفقیه، ۵۰۳/۱، معانی الأخبار، ۲۱۵ و ۳۳۲؛ ثواب الأعمال، ۱٤۲؛ الإعتقادات، ٤۸).

ج. آثار شیخ مفید: یکی از نکات درخورِ توجه در منابع التبیان، عدم‌یادآوری شیخ از استادش ابوعبدالله، محمدبن‌محمدبن‌نعمان (٤۱۳تا۳۳۸ق)، ملقب به شیخ مفید است. جایگاه علمی مفید چنان برجسته است که نه‌تنها بزرگان شیعه، بلکه اهل‌سنت وی را ستوده‌اند (ابن‌حجر عسقلانی، ۳٦۸/۵؛ ابن کثیر، ۱۵/۱۲). آثار وی، نزدیک به ۲۰۰ اثر ذکر شده است که شامل دانش‌های قرآنی و مباحث مرتبط با آن نیز است (نجاشی، ٤۰۳تا۳۹۹؛ طوسی، ٤۹۹). شیخ طوسی با اینکه مدتی نزد شیخ مفید شاگردی کرده و از تألیفات وی آگاه بوده است؛ اما در تفسیر التبیان به نام و آثار وی اشاره نکرده است، حال آنکه باتوجه‌به قرائن و تطبیق متن، اشارۀ شیخ طوسی به آثار شیخ مفید در برخی موارد به دست می‌آید؛ برای نمونه ذیل آیۀ «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكِنَّ الْبِرَّ...» (بقره: ۱۷۷) این‌گونه آورده است: «و استدل أصحابنا بهذه الآية على أن المعنى بها أميرالمؤمنين(ع)، لأنه لاخلاف بين الأمة أن جميع هذه الخصال كانت جامعة فيه. و لم تجتمع في غيره قطعاً، فهو مراد بالآية بالإجماع» (طوسی، ۹۹/۲).

در این عبارت، شیخ طوسی به استدلال «اصحابنا» اشاره کرده است و باتوجه‌به آیات و روایات،

ویژگی‌های مورد اشاره در آیه را در حضرت علی(ع) جمع دانسته است. شیخ مفید نیز در تعیین مصادیق «صادقین» در آیهٔ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹) به آیهٔ ۱۷۷ بقره استناد می‌کند و می‌نویسد: «سبحانه خصالاً تقتضی لصاحبها بمجموعها التصديق و الصدق و دل على أنه عنى بالصادقين الذين أمروا باتباعهم من جمع الخلال التی عددناها دون غيره و صح بذلک التمييز بين المأمور بالإتباع و المدعو إلى اتباعه و لم نجد أحداً كملت له هذه الخصال المذكورة فی القرآن من اصحاب النبی(ص) سوی اميرالمؤمنين(ع) بتواتر الأخبار و دلائل معانی القرآن...»[1] (۴۷تا۴۹). باتوجه‌به بیان و استدلال شیخ مفید، به‌ویژه عبارت «و لم نجد أحدا كملت له هذه الخصال» در تطبیق مفاد آیه با حضرت علی(ع) می‌توان گفت: مراد شیخ طوسی از «اصحابنا» شیخ مفید بوده است.

در بررسی آرای تفسیری شیخ مفید در کتاب تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشيخ المفيد[2] برخی از روایات نقل‌شده در التبیان در این مجموعه تفسیری مشاهده می‌شود. برخی از این روایات عبارت اند از:

۱. ذیل آیهٔ ۱۸ سورهٔ سجده: «روی انه لقيه يوماً فقال لعلی: انا ابسط منک لساناً واحد منک سناناً، فقال علی(ع): ليس كما قلت يا فاسق. فنزل قوله أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً...» (طوسی، ۳۰۵/۸؛ ایازی، ۵۰۶).

۲. ذیل آیهٔ ۴۱ سورهٔ بقره: «روی عن النبی(ص): من سن سنَّة حسنة فله أجرها و اجر من عمل بها الى يوم القيامة و من سن سنة سيئةً كان عليه وِزْرها و وِزْر من عمل بها الى يوم القيامة» (طوسی، ۱۸۷/۱؛ ایازی، ۵۵۰؛ مفید، الفصول المختاره، ۱۳۶).

۳. ذیل آیهٔ ۹۶ سورهٔ بقره: «روی عن علی(ع) انه قال: لاابالی سقط الموت علیّ او سقطت على الموت و قال: اللهم سئمتهم و سئمونی: فابدلنی بهم خيراً منهم و ابدلهم بی‌شراً منی»[3] (طوسی، ۳۶۱/۱؛ مفید، الفصول المختاره، ۱۶۹).

۴. ذیل آیهٔ ۴۱ سورهٔ مریم: «قوله(ص) لم يزل الله ينقلنی من اصلاب الطاهرين الى ارحام الطاهرات» (طوسی، ۱۲۹/۷؛ ایازی، ۳۹۰).

۵. ذیل آیهٔ ۱۱ سورهٔ احزاب: «قوله صلى اللّه عليه و آله الأرواح جنود مجندة فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها اختلف» (طوسی، ۵۴۷/۸؛ ایازی، ۲۱۸).

---

۱. شیخ مفید همین استدلال را به صورت مختصردر کتاب الفصول المختاره (۱۳۹) نقل کرده است.
۲. این کتاب، مجموعهٔ آرا و نظریات تفسیری شیخ مفید در خلال تصنیفات وی است که توسط سیدمحمدعلی ایازی جمع‌آوری شده است.
۳. این روایت در کتاب تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید پیدا نشد.

۶. ذیل آیهٔ ۱۰۶ سورهٔ صافات: «قد روی عن النبی(ص) انه قال: انا ابن الـذبیحین» (طوسـی، ۵۱۸/۸؛ ایازی، ۴۳۱). شیخ طوسی نیز ذیل آیهٔ ۱۶ سورهٔ فتح: «قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرابِ سَتُدْعَوْنَ إِلـى قَـوْمٍ أُولـى بَأْسٍ شَديدٍ تُقاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْراً حَسَناً وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا كَما تَـوَلَّيْتُمْ مِـنْ قَبْـلُ يُعَـذِّبْكُمْ عَذاباً أَليماً»، سبب نزول نقل‌شده برای این آیه را جعلی دانسته و به تبیین سبب نـزول صـحیح آیـه پرداختـه است که همین موضوع در آثار شیخ مفید دیده می‌شود (طوسی، ۳۲۴/۹؛ ایازی، ۴۸۷).

از دیگر مجموعه‌های روایی شیعی که برخی روایات نقل‌شدهٔ التبیـان در آن‌هـا نیـز یافـت شـده اسـت عبارت‌اند از:

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص): محمـدبن‌حسـن صـفار(التبیـان، ۹/۱؛ ۱۳/۹؛ بصـائر الدرجات، ٥٤/١ و ١٩٦/١).

۲. دعائم الاسلام: ابن‌حیون نعمان‌بن‌محمد مغربی (التبیان، ۱۳۱/۱ و ۱۳۸/۲ و ۱۷۲؛ دعائم الإسـلام، ۸۱/۱ و ۲۸۳/۲ و ۵۱۸).

۳. قرب الإسناد: عبدالله‌بن‌جعفر حمیری (التبیان، ۸/۱ و ۷۸ و ۵۱۸؛ قرب الأسناد، ۳۱۵ و ۳۸۹).

۴. الغیبة: ابوعبدالله محمدبن‌ابراهیم کاتب نعمانی، معروف به ابن‌ابی‌زینب (التبیان، ۲۴۳/۳؛ ۴۵۷/۸ ؛ الغیبة، ۵۴؛ ۲۴۰).

۵. المحاسن: احمدبن‌محمدبن‌خالد برقی (التبیان، ۲۸۷/۹؛ المحاسن، ۲۶۹/۱).

در جمع‌بندی این منابع باید توجه کرد روایات اشاره‌شده در بالا در این منابع وجـود دارد؛ امـا بـه‌دلیـل اینکه شیخ طوسی روایاتِ التبیان را بدون سند آورده و نام منابع و مؤلفان آن‌ها را ذکر نکرده اسـت. بـه‌طـور قطع نمی‌توان گفت مؤلف این روایات را از این منابع نقل کرده است. در تطبیق روایات نیـز گـاه روایتـی در چندین منبع متقدم نقل شده است که به‌دلیل پرهیز از طولانی‌شدن مطلب، آن‌ها را ذکر نکردیم.

نتیجه‌گیری

۱. شیخ طوسی در تألیف التبیان از منابع متنوع شیعه و اهل‌سنت بهره برده است که نام مؤلفان بسـیاری از آن‌ها در التبیان دیده می‌شود.

۲. روش شیخ در نام‌بردن از مؤلفان شیعی متفاوت از دیگر مؤلفان است، به‌گونه‌ای که به‌جـز در مـوارد اندک از ایشان نام نبرده است. در این موارد، وی در نقل روایات اهـل بیـت(ع) از عبارت‌هـای کلـی ماننـد «اصحابنا، تفاسیرنا و اخبارنا» که اشاره به منابع شیعی دارد، استفاده کرده است.

۳. تفسیر وزیرمغربی و طبری، کتاب العین و کتاب واقدی ازجمله مصادر قطعی شیخ طوسی در نقـل

روایات اهل بیت(ع) است.

٤. در تطبیق روایات و اشاره‌های روایی، نام برخی از مصادر متقدم شیعه، به‌ویژه تفسیر عیاشی و کتاب کافی و تألیفات شیخ صدوق به دست می‌آید. این امر نشان می‌دهد شیخ طوسی در نقل روایات به این منابع توجه داشته است؛ اما به‌طور قطعی نمی‌توان گفت که وی روایات خود را به‌طور مشخص از کدام‌یک از این منابع نقل کرده است.

٥. روش شیخ طوسی در استفادهٔ زیاد از منابع غیرشیعی مانند تفسیر طبری و نام‌بردن از مؤلفان آن‌ها و در مقابل عدم‌تصریح به نام و آثار مؤلفان شیعی در بیشتر موارد در کنار فضای تألیف التبیان و حضور شیخ طوسی در شهر بغداد در راستای سبک تطبیقی تفسیر شیعه و سنی و رویکرد تقریبی التبیان درخورِ تحلیل است.

منابع

قرآن کریم، ترجمهٔ محمدمهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی،۱۳۷۷.

ابن‌ابی‌زینب، محمدبن‌ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.

ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، علل الشرائع، قم: داوری، ۱۳۸۵.

_______________، اعتقادات الإمامیة، قم: کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.

_______________، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق.

_______________، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامی، ۱۳۹۵ق.

_______________، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

_______________، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.

ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی، لسان المیزان، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۰ق.

ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد، دعائم الإسلام، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۳۸۵ق.

ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.

ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق، الفهرست، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.

آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلی تصانیف الشیعة، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.

انصاری، حسن، «جستار تبارشناسی کتاب بصائر الدرجات و هویت نویسندهٔ آن»، کتاب ماه دین، ش۷۷، ۱۳۸۸، صص۶۱تا۱۴۳.

ایازی، محمدعلی، تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید(ره)، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

ایرانی، اکبر، روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
بحرانی، هاشم‌بن‌سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: بعثت، ١٤١٥ق.
برقی، احمدبن‌محمد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
حداد عادل، غلامعلی و دیگران، دانشنامهٔ جهان اسلام، «تفسیر علی‌بن‌ابراهیم قمی»، محمدجواد شبیری، ج۷، صص۷۰۰تا۷۰۳، تهران: بی‌نا، ۱۳۹۳.
حسکانی، عبیدالله‌بن‌عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
حلی، حسن‌بن‌علی، الرجال (لابن‌داود)، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۲.
حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۳۸۱ق.
دوانی، علی، هزارهٔ شیخ طوسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۱ق.
زرکلی، خیرالدین، الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دار العلم، ۱۹۸۹م.
زیدی، کاصد یاسر، منهج الشیخ أبی‌جعفر الطوسی فی تفسیر القرآن الکریم، بغداد: بیت الحکمه، ۲۰۰۴م.
شریف رضی، محمدبن‌حسین، نهج البلاغة، به‌تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
صفار، محمدبن‌حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)، قم: مکتب آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
طبری، محمدبن‌جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
طوسی، محمدبن‌حسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
_______________، التبیان فی تفسیر القرآن، به‌تحقیق احمد قصیر العاملی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
_______________، تهذیب الأحکام، به‌تحقیق خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
_______________، رجال الطوسی، قم: جامعهٔ مدرسین، بی‌تا.
_______________، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الأصول، قم: مکتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف، رجال العلامة الحلی؛ خلاصة الأقوال فی معرفة احوال الرجال، نجف: حیدری، ۱۳۸۱ق.
علم‌الهدی، علی‌بن‌حسین، تفسیر شریف مرتضی یا نفائس التأویل، بیروت: اعلمی، ۱۴۳۱ق.
عیاشی، محمدبن‌مسعود، التفسیر، تهران: مکتبة العلمیة الإسلامیة، ۱۳۸۰ق.
فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.

فیض کاشانی، محمدبن‌شاه‌مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: صدر، ۱۴۱۵ق.

قمی مشهدی، محمدبن‌محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸.

قمی، علی‌بن‌ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب، 1407ق.

کاشانی، ملافتح‌الله‌بن‌ملاشکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۷۵.

کریمی‌نیا، مرتضی، «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان»، فصلنامهٔ مطالعات اسلامی، دانشکدهٔ الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش۱۱۱، ۱۳۸۵، صص۷۴تا۸۱.

ــــــــــــــ، وزیر مغربی و روش‌شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن، پایان‌نامهٔ دکتری، به‌راهنمایی دکترمنصور پهلوان و دکتر مجید معارف، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

کشی، محمدبن‌عمر، رجال الکشی؛ اختیار معرفة الرجال، همراه با تعلیقات میرداماد استرآبادی، مشهد: آل البیت(ع)، ۱۴۰۹ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب، الکافی، تهران: اسلامی، ۱۴۰۷ق.

کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.

مفضل‌بن‌عمر، توحید المفضل، قم: داوری، ۱۴۱۰ق.

مفید، محمدبن‌محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: آل‌البیت(ع)، ۱۴۱۳ق.

ــــــــــــــ، الفصول المختاره، قم: کنگرهٔ جهانی هزارهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

ــــــــــــــ، تصحیح اعتقادات الإمامیة، قم: کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.

موسوی دره‌بیدی، سیدحسین، بررسی منابع روایی و رویکرد حدیثی تفسیر التبیان در حوزهٔ روایات اهل‌بیت(ع)، به‌راهنمایی دکتر امیر احمدنژاد، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، ۱۳۹۸.

موسوی بجنوردی کاظم و دیگران، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «ابوالجارود در دایرة المعارف بزرگ اسلامی»، نوشتهٔ علی بهرامیان، ج۵، تهران: مرکز بزرگ دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۷.

نجاشی، احمدبن‌علی، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

واقدی، محمدبن‌عمر، المغازی، به‌تحقیق مارسدن جونس، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۹ق.

وزیر مغربی، حسین‌بن‌علی، المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم، به‌تحقیق عبدالکریم‌بن‌صالح‌بن‌عبدالله الزهرانی، مکه: دانشگاه ام القری، ۱۳۶۵.